

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بیل وون اوکن - Bill Van Auken

برگردان از: حمید محوی

۱۴ مارچ ۲۰۱۳

مرگ هوگو چاوز



پس از ۱۴ سال ریاست جمهوری ونزوئلا، هوگو چاوز، افسر نظامی و ناسیونالیست چپ، بعد از ظهر سه شنبه ۵ مارچ، پس از دو سال مبارزه علیه بیماری سرطان در بیمارستان کاراکاس درگذشت.

چاوز که ۵۸ سال داشت، به عنوان رئیس کودتای نظامی ناموفق علیه رژیم بزهکار رئیس جمهور ونزوئلا کارلوس آندرس پرز (۱) رهبر «اکسیون دموکراتیکا» یک حزب سوسیال-دموکرات بورژوا، خود را شناساند.

آندرس پرز تمام تظاهرات و شورش های مردم را که با نام «کاراکازو» شهرت یافت به تاریخ ۱۷ فبروری ۱۹۸۹ در کاراکاس آغشته به خون ساخت و سرکوب کرد. قیام مردم علیه موازین سختی بر پا شده بود که صندوق بین المللی پول دیکته کرده بود و طی آن حدود ۳۰۰۰ نفر کشته شدند. چاوز پس از دو سال زندان آزاد شد و جنبش «بولیواری» خودش را بنیانگذاری کرد و برای کسب پست ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۸ اقدام نمود و اعلام کرد که او نه نماینده چپ است و نه راست، بلکه هدفش اجرای برنامه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی بوده و بر آن است تا پایانی باشد بر نظام دو حزبی بزهکار.

در این نظام دو حزبی، اکسیون دموکراتیکا و دموکرات-مسیحی وجود داشت که قدرت را طی دهه ها بین خود مبادله می کرد.

پس از کسب قدرت، او طرفدار یک طرح سیاسی مردمی (پوپولیستی) چپ شد، و خود را به عنوان ناسیونالیست و «سوسیالیست» معرفی کرد.

چاوز با سیاست های پوپولیستی و ناسیونالیستی خصومت قاطع واشینگتن را متوجه خود ساخت. چاوز به دلیل دفاع و نظارت روی بخش بزرگی از بهره برداری های منابع نفتی کشور، و پشتیبانی اقتصادی از کوبا و پی گیری مناسبات اقتصادی نزدیکتر با رقیب ایالات متحده یعنی چین، با محافل انرژی مستقر در ایالات متحده اختلافاتی پیدا کرد و در گیریهای بین آنها روی داد.

اپریل ۲۰۰۲، سازمان سیا کودتائی علیه چاوز به اجراء گذاشت و موفق شد که برای مدت کوتاهی او را سرنگون کرده و به زندان بیندازد، ولی به یاری بخشی از نظامیان وفادار و قیام مردم که فقیرترین اقشار ونزوئلانی را تشکیل می دادند، او دوباره به کاخ ریاست جمهوری بازگشت.

در تمام طول ریاست جمهوری چاوز، واشینگتن بی وقفه نهادهائی مانند نمایندگی ایالات متحده برای انکشاف بین المللی (۲)، بنیاد ملی برای دموکراسی (۳) و سازمان سیا را برای تأمین مالی و مشاوره دادن به اپوزیسیون سیاسی دست راستی بین بخشهایی از الیگارشی ونزوئلا به خدمت می گرفت که با چاوز به دلیل جذب حمایت اقشار فقیر و به دلیل منشأ نژاد دو رگه او (سرخ پوست و سیاه پوست)، و طبقه متوسط پائین خصومت تلخی داشتند.

با وجود تمام پیروزهای چاوز در انتخابات، دولت ها و رسانه های همگانی در ایالات متحده بی وقفه دولت او را غیر قانونی و دیکتاتوری قلمداد کرده اند.

از سوی دیگر بخش هایی از جریان های چپ اروپائی، در امریکای شمالی و در استرالیا دائماً بر آن بوده اند تا چاوز را به عنوان رهبری انقلابی برای طبقه کارگر معرفی کنند، و از «سوسیالیسم قرن بیست و یکم» او به عنوان راه حل نوین برای توده های آمریکای لاتین و دیگر نقاط جهان دفاع کرده اند (مترجم : حتی برای کشورهای اروپائی – مراجع شود به دوسیه چاوز) آرشیف مترجم در همین پورتال

در واقع، سیاست های چاوز در اساس به استفاده از درآمدهای نفتی تکیه داشت که شامل ۹۰ درصد درآمدهای کشور می شود و بخش بزرگی از آن از راه صادرات آن به ایالات متحده به دست می آید که او برای تأمین مالی طرح های مختلف کمک به اقشار فقیر مورد استفاده قرار می داد.

حتی اگر چنین برنامه هائی، بی گمان، نقش مثبتی در سواد آموزی، بهداشت، مسکن و سطح درآمد اکثریت فقیر ونزوئلا داشته باشد، مانع از این نیست که برگزیدگان مالی قویا شاهرگهای اقتصادی را تحت نظارت خود داشته باشند. بخش خصوصی امروز نسبت به زمانی که چاوز در سال ۱۹۹۸ به قدرت رسید سهم بیشتری از اقتصاد کشور را در اختیار خود دارد. سرمایه مالی و ارتش همواره از ستون های دولت بودند.

همبستگی انسانی که هوگو چاوز نسبت به توده های کارگر تحت ستم در ونزوئلا و امریکای لاتین نشان می دهد می تواند کاملاً صادقانه باشد. با این وجود، سیاست های «انقلاب بولیواری» که می بایستی بی آن که نظام سرمایه داری را سرنگون کند و یا بی آن که طبقه کارگر قدرت را در اختیار بگیرد تحقق یابد، هیچ رابطه ای با سوسیالیسم واقعی ندارد.

تاریخ امریکای لاتین مملو از نمونه هائی از این نوع رژیم های بورژوائی «چپ» است _ پرون در ارجنتاین، آلنده در چیلی، رژیم های نظامی ناسیونالیست چپ در پرو و در بولیوی _ که به دیکتاتورهای نظامی فاشیست رسیده اند و به شکست های طبقه کارگر دامن زده اند.

چند ساعت پیش از اعلام درگذشت چاوز، معاون ریاست جمهوری نیکلا مادورو _ که چاوز او را به جانشینی خود تعیین کرده بود _ اعلام کرده که وابسته نظامی نیروی هوایی ایالات متحده، سرهنگ دیوید دلموناکو، و معاون او به دلیل ارتکاب به استخدام افسران نظامی ونزوئلا به هدف بی ثبات سازی کشور، اخراج خواهند شد.

رئیس جمهور بارک اوباما بیانیه ای منتشر کرد که در آن نوشته بود واشینگتن امیدوار است که بتواند از مرگ چاوز برای موضعگیری مناسبتری برای امپریالیسم امریکا در ونزوئلا استفاده کند، در این بیانیه می توانیم بخوانیم که : «در این دوره سخت که متأثر از درگذشت رئیس جمهور هوگو چاوز است، ایالات متحده یک بار دیگر پشتیبانی خود را از مردم ونزوئلا اعلام می دارد و امیدوار است بتواند مناسبات سازنده اش را با دولت ونزوئلا گسترش دهد».

مبنی بر قانون اساسی ونزوئلایی، انتخابات ریاست جمهوری باید کمتر از ۳۰ روز پس از درگذشت رئیس جمهور برگزار شود. معاون رئیس جمهور مادورو می بایستی به عنوان نامزد چاوپیست انتخاب شود و باید با هنریک کاپریل مقابله کند، از ایالت میراندا که در انتخابات ریاست جمهوری پیشین طی اکتوبر گذشته توسط چاوز شکست خورد.

آینده چاوپیسم در غیبت هوگو چاوز نامطمئن است. چاوز، سرهنگ دوم چتر باز با ارتش مناسباتی داشت که در واقع یکی از ستون های دولت او را تشکیل می داد، ولی مادورو فاقد چنین مناسباتی است، او رئیس سندیکای رانندگان اتوبوس و شوهر زنی است که وکالت چاوز را در سال ۱۹۹۲ به عهده داشت.

اهمیت چنین مناسباتی به روشنی آشکار شد، وقتی فرمانده ارتش، آد میرال دیگو مولرو فوراً پس از مادورو در شبکه تلویزیون ملی ظاهر شد. مولرو ونزوئلایی ها را به «اتحاد، آرامش و درک وضعیت» فراخواند و اطمینان داد که نیروهای نظامی به قانون اساسی وفادار باقی خواهند ماند.

پی نوشت :

(^۱) Carlos Andrés Pérez

(^۲) USAID - United States Agency for International Development

(^۳) National Endowment for Democracy

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۱ مارچ ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی ۹ مارس ۲۰۱۳

منطقه : امریکای لاتین و کارائیب

<http://www.mondialisation.ca/la-mort-de-hugo-chavez/5325918>